

حوادث و بلایای طبیعی ایالت جبال

از ظهور اسلام تا حمله مغول

مرضیه اسدی اول*

عبدالرحیم قنوات**، علی غفرانی***

چکیده

حوادث طبیعی به مجموعه حوادثی گفته می‌شود که منشأ انسانی ندارند و معمولاً پیش‌بینی‌ناپذیرند. این‌گونه پدیده‌های طبیعی از آن‌جاکه آثاری منفی بر زندگی انسان دارند، بلایای طبیعی نامیده شده‌اند. بنا به گزارش‌های تاریخی، در سده نخست تا هفتم قمری حوادث طبیعی بسیاری در ایالت جبال، که یکی از ایالت‌های بزرگ ایران بود، روی داد. در این گزارش‌ها، که بیش‌تر جنبه توصیفی دارند، حجم انبوهی از بلایا به‌همراه شدت آسیب‌های وارده و کشتار فراوان مردم ذکر شده و جنبه تحلیلی آن‌ها بسیار ضعیف است. بنابراین، پژوهش حاضر با روش توصیفی - تحلیلی به دنبال پاسخ به این سؤال اساسی است که حوادث طبیعی چه تأثیری در اوضاع اجتماعی و اقتصادی ایالت جبال در دوره موردنظر داشته است؟ درنهایت، از مجموع تحلیل‌ها نتایجی به‌دست آمده است که در متن حاضر در قالب سه دسته بی‌آمدهای اجتماعی - فرهنگی، اقتصادی، و سیاسی طبقه‌بندی شده‌اند.

کلیدواژه‌ها: جبال، حوادث طبیعی، زلزله، سیل، قحطی، بیماری‌های واگیردار.

* کارشناس ارشد تاریخ و تمدن ملل اسلامی، دانشگاه فردوسی مشهد، asadi.m4540@gmail.com

** دانشیار گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی، دانشگاه فردوسی مشهد (نویسنده مسئول)، ghanavat@um.ac.ir

*** دانشیار گروه معارف، دانشگاه بوعلی سینای همدان، A.ghofrani@basu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۱۲/۱۵، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۳/۲

۱. مقدمه

بلایای طبیعی را از منظر مدت زمان وقوع آنها می توان به دو دسته تقسیم کرد: ۱. بلایای طبیعی با عملکرد ناگهانی مانند زلزله، سیل، برف و سرما، باد و طوفان، رعدوبرق، و آفت ملخ؛ ۲. بلایای طبیعی با عملکرد تدریجی مانند قحطی، خشک سالی، و بیماری های واگیردار مانند وبا و طاعون.

ایالت جبال در حکم یکی از ایالت های بزرگ ایران قدیم به سبب موقعیت کوهستانی و نزدیکی برخی نواحی آن از جمله ری، همدان، و دینور به کمر بند زلزله خیز آلپ - هیمالیا حوادث طبیعی بسیاری را به خود دیده است. شهرهای بزرگ این ایالت مناطقی مانند قمریسین (کرمانشاه امروزی)، دینور، همدان، ری، اصفهان، قزوین، و زنجان بودند و هرکدام از این شهرهای بزرگ نواحی و حوزه های کوچک تری را دربرمی گرفتند (حموی بغدادی ۱۹۹۵ م: ج ۲، ۹۹). در مجموع، ناحیه کوهستانی پهناوری که یونانیان به آن «مدیا» می گفتند و از غرب به جلگه های بین النهرین، از شرق به کویر بزرگ ایران، از شمال به سرزمین دیلم، و از جنوب به فارس و خوزستان محدود بود نزد جغرافی نویسان مسلمان «ایالت جبال» نام داشت (لسترنج ۱۳۶۴: ۲۰۰).

مورخان و جغرافی نویسان مسلمان حوادث طبیعی زیادی را در ایالت جبال در این دوره ثبت کرده اند که بیشترین گزارش ها به شیوه توصیفی ارائه شده است. محور این پژوهش کاری فراتر از گردآوری و توصیف گزارش بلایای طبیعی است و آن استخراج آثار و نتایجی است که این بلایا به همراه داشته اند. کمبود اطلاعات در منابع، نبود اطلاعات دقیق، و ذکر کلیات حوادث سخت ترین بخش کار در این پژوهش بوده است؛ بنابراین، با همه این ها، سعی شده است به روش تاریخی از لابه لای گزارش های در دسترس پی آمده های آنها استنباط شود.

۲. ضرورت تحقیق

یکی از ضرورت های اساسی در این پژوهش ارتباط تنگاتنگ بین زندگی مردم و بلایای طبیعی است. باتوجه به این که دیدگاه مورخان در گذشته بیش تر به حوادث سیاسی و نظامی معطوف بوده است، این مقوله از تاریخ های اجتماعی، یعنی بلایای طبیعی و تأثیر آنها در زندگی مردم، نادیده گرفته شده است؛ بنابراین، به سبب اهمیت موضوع و برای روشن شدن گوشه هایی از تاریخ اجتماعی ایران، بررسی آن ضروری است.

۳. اهداف طرح، سؤالات، و فرضیه تحقیق

حوادث و بلایای طبیعی از پدیده‌های مهم تاریخ اجتماعی ایران است که در گذر زمان بارها اتفاق افتاده و پی‌آمدهای گوناگونی را به دنبال داشته است؛ بنابراین، برای تحلیل اوضاع اجتماعی و اقتصادی مردم، پژوهش حاضر تلاش می‌کند این جنبه از تاریخ اجتماعی را با طرح این پرسش‌ها که «حوادث طبیعی ایالت جبال در این دوره چه بوده است؟» و «چه تأثیری در اوضاع اجتماعی - اقتصادی مردم داشته است؟» بررسی کند. فرضیه‌ای که در این باره مطرح می‌شود این است که حوادث طبیعی بسیاری از قبیل زلزله، سیل، برف و سرما، طوفان، رعد و برق، بیماری‌های واگیردار، خشک‌سالی، و قحطی به همراه آثاری مانند کاهش جمعیت، افزایش قیمت‌ها، بسته‌شدن راه‌ها، رواج مفاسد اجتماعی، و ... در ایالت جبال اتفاق افتاده است. به نظر می‌رسد قحطی و خشک‌سالی‌های مکرر نیز با شیوع بیماری‌های واگیردار و مرگ‌ومیر زیاد افراد، به‌ویژه زنان و کودکان، همراه بوده است.

۴. پیشینه تحقیق

برخلاف اهمیت موضوع و تأثیری که بلایای طبیعی در زندگی مردم دارد، منابع تاریخی و حتی پژوهش‌های جدید کم‌تر به آن توجه کرده‌اند. با وجود این، رویکرد برخی علاقه‌مندان به پژوهش این جنبه از تاریخ اجتماعی باعث شده است که آثاری در این زمینه به‌نگارش درآید، از جمله: ۱. پایان‌نامه محمد رضا شمس دولت‌آبادی با عنوان *حوادث طبیعی در جهان اسلام و پی‌آمدهای آن از آغاز تا حمله مغول (۱۳۷۳)* که در آن به پی‌آمدهای حوادث طبیعی در سراسر جهان اسلام به‌صورت مختصر اشاره شده است؛ ۲. کتابی با نام *الکوارث الطبيعية في بلاد العراق و فارس في العصرين البويهی و السلجوقی* که طه حسین عبدالعال آن را در پنج فصل تنظیم کرده و تمرکز عمده آن بر عراق عرب و ایالت فارس است؛ ۳. مقاله «حوادث و بلایای طبیعی در قرون میانه تاریخ ایران» (۱۳۹۲)، نوشته امامعلی شعبانی و حمیده مهرعلی‌تبار، شایع‌ترین حوادث طبیعی ایران به‌همراه پی‌آمدهای آن‌ها را مطرح کرده است.

باتوجه به مطالب یادشده می‌توان گفت که این پژوهش نخستین تحقیق مفصل درباره ایالت جبال است که با رویکرد محققانه، همه حوادث طبیعی آن را به‌همراه پی‌آمدهای اجتماعی - فرهنگی، اقتصادی، و سیاسی در دوره زمانی خاص ذکر کرده است.

۵. روش تحقیق

روش تدوین این پژوهش ترکیبی از توصیف و تبیین داده‌هاست؛ بنابراین، ابتدا با جست‌وجو در منابع تاریخی، جغرافیایی، ادبی، پزشکی، و مخاطرات طبیعی و تکیه بر گزارش‌های موجود در این آثار، بلایای طبیعی ایالت جبال در برهه زمانی موردنظر، گردآوری و در قالب جدول و نمودار ارائه شده‌اند، سپس به‌منظور استنباط نتایجی که به‌دست می‌آید تجزیه و تحلیل شده‌اند.

۶. مروری بر حوادث طبیعی ایالت جبال در هفت قرن نخست اسلام

۱.۶ حوادث طبیعی با عملکرد ناگهانی

جدول ۱. زلزله‌ها

ردیف	سال	مکان	آثار و نتایج	منابع
۱	۲۳۶ ق	ری	کشته‌شدن ۴۵ هزار نفر	حسنی رازی ۱۳۱۳: ۱۹۵-۱۹۶
۲	۲۳۹ ق	کاشان	خرابی‌های فراوان و کشته‌شدن ۴۵ هزار نفر	سبط بن جوزی ۱۳۷۰: ج ۱، ۱۶۸
۳	۲۴۱ ق	ری	تخریب خانه‌ها، کشته‌شدن جمعیتی زیاد، و تداوم به‌مدت ۴۰ روز	ابن‌اثیر ۱۳۸۵: ج ۷، ۸۰ قوامی رازی ۱۳۴۴: ۲
۴	۲۴۹ ق	ری	ویرانی خانه‌ها و کشته‌شدن جمعیتی زیاد	طبری ۱۳۸۷: ج ۹، ۲۶۵ سیوطی ۱۳۹۱: ۲۸
۵	۳۰۰ ق	دینور	فروریختن کوه	ابن‌جوزی ۱۴۱۲ ق: ج ۱۳، ۱۳۲ سیوطی ۱۳۹۱: ۳۱
۶	۳۴۵ ق	همدان	ویرانی ساختمان‌ها، کشته‌شدن جمعیتی زیاد، و تداوم پس‌لرزه‌ها به‌مدت یک‌سال	ابن‌اثیر ۱۳۸۵: ج ۸، ۵۱۸ سیوطی ۱۳۹۱: ۲۹ معظمی گودرزی ۱۳۵۱: ۳۴۷
۷	۳۴۶ ق	ری	ویرانی زیاد، کشتار فراوان مردم و تداوم به‌مدت ۴۰ روز	مسکویه ۱۳۷۶: ج ۶، ۲۰۶ سیوطی ۱۳۹۱: ۲۸ جابری انصاری ۱۳۲۲: ۲۷۴
۸	۳۴۷ ق	حلوان	کشته‌شدن جمعیت زیاد و ویرانی دژ و قلعه‌ها	مسکویه ۱۳۷۶: ج ۶، ۲۰۶ جابری انصاری ۱۳۲۲: ۸۲

حوادث و بلایای طبیعی ایالت جبال؛ از ظهور اسلام تا حمله مغول ۵

حاجی خلیفه ۱۳۷۶: ۸۴ سیوطی ۱۳۹۱: ۳۱	ویرانی شهر و کشته شدن ۱۶ هزار نفر	دینور	ق ۳۹۸	۹
ابن جوزی ۱۴۱۲ ق: ج ۱۶، ۳۰ سیوطی ۱۳۹۱: ۳۳ معظمی گودرزی، ۱۳۵۱: ۳۴۷	ازکار انداختن آسیابها، ویرانی خانهها، و تداوم پس لرزهها به مدت ۲۸ روز	همدان	ق ۴۵۰	۱۰
شاردن ^۱ ۱۳۷۲: ج ۲، ۵۰۹	فروریختن دیوارهای شهر به همراه یک سوم ساختمانها	قزوین	ق ۴۶۰	۱۱
ابن جوزی ۱۴۱۲ ق: ج ۱۶، ۲۷۰	لرزش زمین به مدت هفت روز، تخریب منازل و بناهای تاریخی، و کشتار فراوان	همدان	ق ۴۸۰	۱۲
رافعی قزوینی ۱۴۸۰ ق: ج ۱، ۵۰ زهرایی و وطنی اسکویی ۱۳۸۳: ۲۱ گلریز، ۱۳۶۷: ۵۲۲	قدرتی حدود ۶/۵ ریشتر، خرابی بسیار، و تخریب بناها	قزوین	ق ۵۱۳	۱۳
ابن جوزی ۱۴۱۲ ق: ج ۱۸، ۳۳ سبطین جوزی ۱۳۷۰: ج ۱، ۱۶۹	شدت کم و ایجاد ترس و وحشت در مردم	همدان	ق ۵۳۸	۱۴
ابن جوزی، ۱۴۱۲ ق: ۷۲	تخریب بناهای تاریخی، کشته شدن جمعیتی زیاد	حلوان	ق ۵۴۴	۱۵
شاردن ^۲ ۱۳۷۲: ج ۲، ۵۱۰	فروریختن برج و باروی شهر	قزوین	ق ۵۶۲	۱۶
ابن اثیر ۱۳۸۵: ج ۱۱، ۴۳۳	تخریب خانهها و کشته شدن جمعیتی زیاد	ری	ق ۵۷۱	۱۷
ابن جوزی ۱۴۱۲ ق: ج ۸، ۲۳۱	آسیب دیدن شهر	ری	ق ۵۷۲	۱۸
نیشابوری ۱۳۳۲: ۸۹ لمبتون ۱۳۷۲: ۱۸۳	آسیب دیدن زیاد شهر	همدان	ق ۵۸۷	۱۹

جدول ۲. سیلها

منابع	آثار و نتایج	مکان	سال	ردیف
قمی ۱۳۶۱: ۳۶	از بین بردن کوشک و سراهای بزرگان شهر	قم	ق ۲۹۲	۱
ابن جوزی ۱۴۱۲ ق: ج ۱۳، ۱۳۲	غرق شدن تعدادی از روستاها	دینور	ق ۳۰۰	۲
حمزه اصفهانی، بی تا: ۱۴۷	فراگرفتن باروی شهر و سوراخ کردن قسمتی از آن، ایجاد ترس و وحشت در مردم	اصفهان	ق ۳۱۰	۳
همان: ۱۴۸	طغیان رودخانه زاینده رود	اصفهان	ق ۳۴۴	۴
ابن جوزی ۱۴۱۲ ق: ج ۱۶، ۷۳	مجروح شدن افراد	شهرزور	ق ۴۵۴	۵

جدول ۳. باد و طوفان

ردیف	سال	مکان	آثار و نتایج	منابع
۱	ق ۲۳۴	همدان	تداوم به مدت ۲۰ روز و ایجاد رعب و وحشت	ابن جوزی ۱۴۱۲ ق: ج ۱۱، ۲۰۹
۲	ق ۲۹۱	اصفهان	از بین بردن محصولات کشاورزی	حمزه اصفهانی بی تا: ۱۴۷
۳	ق ۵۱۳	ساوه	ایجاد گردوغبار و به هم ریختن شهر	ابن جوزی ۱۴۱۲ ق: ج ۱۷، ۱۷۲ سبط بن جوزی، ۱۳۷۰: ج ۱، ۷۷
۴	ق ۵۶۱	ساوه	تخریب بناها، ایجاد ترس و وحشت در مردم، و به هم ریختن شهر	ابن جوزی ۱۴۱۲ ق: ج ۱۷، همان: ۱۷۲ راوندی ۱۳۶۴: ۲۹۱

جدول ۴. برف و سرما

ردیف	سال	مکان	آثار و نتایج	منابع
۱	ق ۳۳۰	اصفهان	خسارت به شکوفه های درختان	حمزه اصفهانی بی تا: ۱۴۷
۲	ق ۳۳۲	اصفهان	سرماي شدید و خسارت دیدن محصولات کشاورزی	همان
۳	ق ۵۲۲	اصفهان	خانه نشین شدن مردم	عمادالدین اصفهانی ۱۳۷۵: ج ۹، ۷۰

جدول ۵. رعدوبرق

ردیف	سال	مکان	آثار و نتایج	منابع
۱	ق ۳۴۵	قرومیسین	شکاف برداشتن دیوارهای قصر شیرین	ابن اثیر ۱۳۸۵: ج ۸، ۵۱۸
۲	ق ۴۷۷	کاشان	کشته و مجروح شدن کودکان	اسفزاری ۱۳۵۶: ۳۴

جدول ۶. آفت ملخ

ردیف	سال	مکان	آثار و نتایج	منابع
۱	ق ۳۴۴	اصفهان	آسیب رساندن به محصولات	حمزه اصفهانی بی تا: ۱۴۸
۲	ق ۳۴۷	حلوان	آسیب دیدن غلات و درختان میوه	ابن تغری بردی بی تا: ج ۳، ۳۱۹ سیوطی ۱۴۲۵ ق: ج ۱، ۲۸۷

حوادث و بلاای طبیعی ایالت جبال؛ از ظهور اسلام تا حمله مغول ۷

۲.۶ حوادث طبیعی با عملکرد تدریجی

جدول ۷. قحطی

ردیف	سال	مکان	آثار و نتایج	منابع
۱	۲۸۱ ق	ری	مرگومیر بسیار و خوردن گوشت افراد	ابن جوزی ۱۴۱۲ ق: ج ۱۲، ۳۳۹
۲	۴۳۸ ق	قزوین	افزایش قیمت‌ها	اصطخری بی تا: ۱۱۸ قبادیانی ۱۳۸۱: ۵
۳	۴۴۲ ق	اصفهان	افزایش قیمت و غارت کردن مسجد	قبادیانی ۱۳۸۱: ۱۶۵
۴	۴۹۴ ق	ری	روی آوردن مردم به خوردن حیوانات	ابن جوزی ۱۴۲۸ ق: ۲۸۳
۵	۵۳۲ ق	اصفهان	افزایش قیمت، شیوع وبا، و مرگومیر زیاد	بنداری ۱۳۵۶: ۲۱۸ راوندی ۱۳۶۴: ۲۲۹
۶	۵۷۱ ق	اصفهان	شدت زیاد و سخت شدن زندگی	راوندی ۱۳۶۴: ۳۹

جدول ۸. وبا (Cholera)

ردیف	سال	مکان	آثار و نتایج	منابع
۱	۲۵۸ ق	حلوان	شدت زیاد و کشته شدن ۵۰۰ تا ۶۰۰ نفر در هر روز	حمزه اصفهانی بی تا: ۱۴۵-۱۴۶
۲	۳۳۴ ق	اصفهان	کشته شدن جمعیتی خارج از شمارش	قرطبی ۱۳۸۷: ج ۱۱، ۳۸۰ مسکویه ۱۳۷۶: ج ۶، ۱۹۹
۳	۳۴۴ ق	شهرزور	مرگومیر فراوان و افزایش قیمت	حمزه اصفهانی بی تا: ۱۴۸ ابن جوزی ۱۴۱۲ ق: ج ۱۴، ۹۸
۴	۴۳۹ ق		کشته شدن افراد بسیار	ابن اثیر ۱۳۸۵: ج ۹، ۵۴۵

جدول ۹. خشک سالی

ردیف	سال	مکان	آثار و نتایج	منابع
۱	۱۹۴ ق	ری	افزایش قیمت و کمبود مواد غذایی	طبری ۱۳۸۷: ج ۸، ۳۸۶
۲	۲۸۱ ق	ری	افزایش قیمت‌ها	ابن جوزی ۱۴۱۲ ق: ج ۱۲، ۳۳۹
۳	۳۴۰ ق	اصفهان	شیوع قحطی و روی آوردن مردم به خوردن حیوانات	مسکویه ۱۳۷۶: ج ۶، ۱۷۳-۱۷۴

جدول ۱۰. طاعون (Plague)

ردیف	سال	مکان	آثار و نتایج	منابع
۱	۳۲۴ ق	اصفهان	کشته شدن بیش از ۲۰۰ هزار نفر	حمزه اصفهانی بی تا: ۱۴۷

۷. پی آمدهای اجتماعی - فرهنگی

۱.۷ مرگ و میر زیاد و کاهش جمعیت

یکی از بارزترین پی آمدهای اجتماعی حوادث طبیعی مرگ و میر زیاد و در نتیجه کاهش جمعیت بوده است. میزان تلفات انسانی حوادث طبیعی به یک اندازه و یک شکل نبوده است؛ گاه مرگ و میرها به طور مستقیم ناشی از خود بلایا بوده، اما بعضی مواقع غیرمستقیم و بر اثر نتایج بلایا حاصل می شده است. منابع تاریخی به دنبال وقوع بیش تر بلایای طبیعی از تلفات انسانی آن گزارش داده اند و می توان گفت نخستین خبری که پس از وقوع حوادث منتشر می شد آمار قربانیان بود که بزرگی حادثه را نشان می داد. مثلاً، در شهرری در ۲۴۱ ق، زلزله شدیدی روی داد که به مدت ۴۰ روز ادامه داشت. این زلزله خانه ها را ویران کرد و مردم بسیاری زیر آوار کشته شدند (ابن اثیر ۱۳۸۵: ج ۸، ۷۰). قوامی رازی از شاعران سده ششم هجری این حادثه را این گونه وصف کرده است:

زان زلزله که بود گه یحیی بن معاذ^۳ ری شد خراب اگر چه تو را اعتبار نیست
بی جان شدند سیصدوپنجه هزار خلق معلوم کن چو قول منت استوار نیست

(قوامی رازی ۱۳۴۴: ۲)

همین طور است زلزله ۳۴۶ ق که با قدرت زیادی در ری و نواحی آن روی داد؛ سیوطی در وصف این حادثه آورده است:

پس لرزه های این زلزله چهل روز متوالی ادامه داشت، سپس آرام شد، اما دوباره زمین شروع به لرزیدن کرد، قسمت عظیمی از شهر بر اثر زلزله ویران و جمعیت زیادی کشته شدند. شهر طالقان و حدود صدوپنجاه روستا از نواحی ری در زمین فرورفتند، کوهی در ری شکاف برداشت، زمین دچار آتش گرفتگی شدیدی شد و آب های متعفن و دودهای سیاه رنگی از آن به آسمان برخاست (سیوطی ۱۳۹۱: ۳۰).

کشته شدن جمعیت زیاد در بلایای طبیعی مختص به زلزله نبود؛ در طاعون ۳۲۴ ق اصفهان، بیش از دویست هزار نفر جان خود را از دست دادند (ابن جوزی ۱۴۱۲ ق: ج ۱۳، ۳۵۷؛ حمزه اصفهانی بی تا: ۱۴۷). همین طور در نتیجه خشک سالی و وبای ایالت جبال و به ویژه شهر اصفهان در ۴۲۳ ق، به فاصله چند روز چهل هزار نفر مردند و خانه های مردم به ماتم کده تبدیل شد (ابن اثیر ۱۳۸۵: ج ۹، ۲۶؛ ابونعیم اصفهانی ۱۳۷۷: ج ۱، ۳۳).

۲.۷ مهاجرت

از دیگر پی آمدهای حوادث طبیعی مسئله مهاجرت بود که در کاهش جمعیت شهرها و روستاها نقش داشت. بدین گونه که مردم به دنبال وقوع حوادث، شهر و دیار خود را ترک می کردند و در مکانی دیگر مستقر می شدند که این علاوه بر خالی شدن شهر و روستا از سکنه، در ویرانی پهنه آن به مرور زمان مؤثر بود. مثلاً، قحطی ۵۳۲ ق اصفهان به حدی شدید بود که مردم زیادی به وبا مبتلا شدند و بر اثر قحطی و وبا جان خود را از دست دادند (بنداری ۱۳۵۶: ۲۱۸). افرادی که زنده ماندند شهر را ترک کردند و در مکان هایی خارج از شهر بناهایی را برای سکونت ساختند (راوندی ۱۳۶۴: ۲۲۹). اشاره شده است که خیلی از افراد پس از استقرار در مکان های جدید، میل بازگشت نداشتند (همان). عمادالدین اصفهانی خود و تنی چند از بازماندگان را از افراد ساکن در این مکان ها می داند (عمادالدین اصفهانی ۱۳۷۵: ج ۱، ۳۲-۳۳).

جمال الدین اصفهانی، از شاعران سده ششم هجری، در اشعار خود به مهاجرت هایی اشاره کرده است که در نتیجه قحطی های اصفهان روی داده است:

حال جهان ز نظم بیفتاد لاجرم مردم دگر شدند و دگر گشت کاروبار
حشو عوام خود نتوان برشمرد لیک زاهل هنر کسی نماند اندرین دیار

(جمال الدین اصفهانی ۱۳۲۰: ۱۹۵)

مهاجرت ها همیشه برای به دست آوردن سرپناه نبود؛ گاهی اوقات در نتیجه خشک سالی و آفت هایی که پیش می آمد، مردم برای تأمین معاش و رفع گرسنگی مهاجرت می کردند (عبدالعال ۲۰۱۳: ۲۸۷). برای نمونه، در نتیجه هجوم ملخ ها به اصفهان در ۳۴۴ ق و آسیب دیدن محصولات کشاورزی، مردم ناگزیر برای تأمین معاش، محل سکونت خود را به قصد مناطق آباد ترک کردند (حمزه اصفهانی بی تا: ۱۴۸؛ ابن جوزی ۱۴۱۲ ق: ج ۱۴، ۹۸).

همان طور که اشاره شد، اگرچه بر اثر وقوع حوادث طبیعی بعضی از مناطق خالی از سکنه می شدند و ممکن بود به مرور زمان از بین روند، گاهی اوقات نیز به دنبال وقوع این حوادث، به ویژه زلزله، پدیده های جغرافیایی خاصی ایجاد می شد؛ به گزارش منابع، بر اثر زلزله ۳۴۶ ق شهرری، آب دریای خزر به اندازه هشتاد ذراع^۴ پایین رفت و در نتیجه آن، کوه ها و جزیره های زیادی آشکار شد (مسکویه ۱۳۷۶: ج ۶، ۲۰۶؛ ابن جوزی ۱۴۱۲ ق: ج ۱، ۱۰۹).

۳.۷ آسیب‌های روحی

یکی دیگر از پی‌آمدهای حوادث طبیعی این بود که علاوه بر آسیب‌های جسمی، مشکلات روحی و روانی نیز ایجاد می‌شد و بنا به مستندات تاریخی، کودکان بیش‌تر در معرض این آسیب‌ها قرار داشتند. مثلاً، رافعی قزوینی زلزله ۵۱۳ ق قزوین را سال‌ها بعد به‌نقل از یکی از شیوخ کهن سال^۵ شهر، که در موقع حادثه کودکی پنج یا شش ساله بوده و هنوز آن حادثه تلخ را به‌یاد داشته، گزارش کرده است. یکی دیگر از این قبیل افراد عمادالدین اصفهانی بود که هنگام وقوع قحطی ۵۳۲ ق اصفهان سیزده ساله بود. او گزارش این حادثه را در کتاب *خریفة القصر و جریفة العصر* آورده و تأکید کرده که این مصیبت را از دوران کودکی به‌یاد دارد (۱۳۷۵: ج ۱، ۳۲). از این گزارش‌ها می‌توان نتیجه گرفت که بازماندگان حوادث طبیعی تا مدت‌های طولانی این حوادث تلخ را به‌یاد داشتند و از مشکلات روحی آن رنج می‌بردند.

۴.۷ رواج مفاسد اجتماعی

از دیگر پی‌آمدهای حوادث طبیعی سوءاستفاده‌هایی بود که درموقع وقوع آن‌ها اتفاق می‌افتاد. ازجمله این سوءاستفاده‌ها می‌توان به احتکار کالا و گرانی اجناس اشاره کرد؛ مثلاً، وقتی در ۳۴۰ ق، اصفهان با پدیده خشک‌سالی مواجه شد و مردم برای تأمین آذوقه خود و علوفه دام‌هایشان به‌سختی افتادند (مسکویه ۱۳۷۶: ج ۶، ۱۷۳-۱۷۴) گردهای ساکن در اطراف اصفهان از فرصت استفاده کردند و آذوقه مردم را به بهای سنگین می‌فروختند؛ به‌گفته مسکویه، آن‌ها خود تعیین قیمت می‌کردند و ظرف‌های آرد را با خاک پُر می‌کردند و روی آن را با آرد می‌پوشاندند تا سنگین شود. آن‌ها درباره گندم و جو نیز همین روش‌ها را به‌کار می‌بردند (همان: ۱۷۴).

بنا به گزارش‌های تاریخی، گاه درموقع بروز حوادث طبیعی برخی دولت‌مردان برای به‌دست‌آوردن ثروت، اموال مردم را مصادره می‌کردند، مانند قحطی ۵۳۲ ق اصفهان که امیران سلجوقی هر آنچه از اموال مردم می‌یافتند با خود می‌بردند. آن‌ها حتی محصولات کشاورزی مردم را پیش‌از فصل، برداشت کرده و به چهارپایان می‌دادند و افرادی را که از دستور آن‌ها سرپیچی می‌کردند به‌قتل می‌رساندند (نورصادقی ۱۳۱۶: ۱۵). بعید نیست که خود دولت‌مردان نیز در احتکار موادغذایی نقش می‌داشتند. علاوه بر احتکار، چپاول اموال مردم آسیب‌دیده نیز از دیگر سوءاستفاده‌ها بود؛ برای نمونه، در ۳۴۴ ق وبایی شدید در ری روی داد که تعداد کشته‌شده‌های آن را شمارش‌ناپذیر دانسته‌اند (مسکویه ۱۳۷۶: ۱۹۹).

حوادث و بلایای طبیعی ایالت جبال: از ظهور اسلام تا حمله مغول ۱۱

به دنبال این واقعه، قبایل گُردی که خارج از شهرها سکونت داشتند از این وضعیت سوءاستفاده کرده و با حمله به کاروان حاجیان در اطراف ساوه، اموال آنها را به غارت بردند (ابن اثیر ۱۳۸۵: ج ۸، ۵۱۲). همین طور در زمان وبای ۴۴۸ ق شهرهای جبال و دیگر مناطق از جمله در مکه، حجاز، دیاربکر، و خراسان راه‌ها ناامن شد و راه‌زنان موجب ترس و وحشت مردم شدند؛ به طوری که آنها مجبور بودند اموال خود را با نگهدارنده‌ها جابه‌جا کنند (همان: ج ۱۶، ۵).

۵.۷ بسته شدن راه‌ها و اختلال در فعالیت‌های اجتماعی

یکی دیگر از پی‌آمدهایی که حوادث طبیعی به‌جا می‌گذاشت بسته شدن راه‌ها و بازماندن مردم از فعالیت‌های اجتماعی و اقتصادی بود؛ برای نمونه، برف سنگین ۵۲۲ ق در اصفهان چنان شدت داشت که راه‌ها بسته شد و مردم در تنگنا قرار گرفتند و به اصطلاح خانه‌نشین شدند (عمادالدین اصفهانی ۱۳۷۵: ج ۹، ۷۰). کمال‌الدین اصفهانی نیز در شعری که در وصف سرمای اصفهان در قرن ششم هجری سرود، به خانه‌نشین شدن مردم بر اثر وقوع برف و سرما اشاره کرده است:

اینت سردی که این زمستان کرد که همه کار ما پریشان کرد
تاختن کرد لشکر بهمن خانه بر خلق هم‌چو زندان کرد

(کمال‌الدین اصفهانی ۱۳۴۸: ج ۹، ۶۴۳)

برف سنگین ۳۳۲ ق اصفهان نیز همین‌طور بود که در ایام نوروز با بستن راه‌ها مانع رفت‌وآمد مردم برای انجام کارهای روزمره و عمل دیدوبازدید عید شد (حمزه اصفهانی بی‌تا: ۱۴۷). بلیه سیل نیز در این فرایند بی‌تأثیر نبود؛ به گزارش منابع، در ۳۷۸ ق، در شهرهای ایالت جبال سیل شدیدی جاری شد که نهرها و چاه‌ها پر از آب و قنات‌ها پر از گل‌ولای و سنگ شد. این سیل خانه‌ها را خراب و راه‌ها را قطع کرد (ابن اثیر ۱۳۸۵: ج ۹، ۶۰). علاوه بر سیل، حوادث طبیعی دیگر از جمله قحطی، خشک‌سالی، و وبا نیز در رفت‌وآمد مردم اختلال ایجاد می‌کرد؛ حتی در ابعاد وسیع‌تر، مثل بازماندن کاروان‌های حج از حرکت باعث مشکلاتی می‌شد. به این ترتیب که این بلایا از یک سو مسبب ناامنی و غارت می‌شد و از سوی دیگر، مردم نیز به لحاظ اقتصادی در وضعیت نامطلوبی قرار می‌گرفتند و توانایی مالی رفتن به حج را از دست می‌دادند. برای نمونه، در قحطی و وبای ۴۴۸ ق ایالت جبال،

به دنبال نامنی راه‌ها، هیچ گزارشی از سفر حج ذکر نشده است (ابن اثیر ۱۳۸۵: ج ۹، ۶۳۱؛ ابن جوزی ۱۴۱۵ ق: ج ۱۶، ۵) که این نمی‌توانست با وقوع حوادث این سال بی‌ارتباط باشد. همین‌طور در خشک‌سالی و وبای ۴۲۳ ق شهرهای جبال مثل ری و اصفهان، گزارشی از سفر مردم این دو شهر به حج در این سال ثبت نشده است (ابن کثیر ۱۴۰۷ ق: ج ۱۲، ۳۴).

۶.۷ تخریب ساختمان‌ها

از دیگر پی‌آمدهای حوادث طبیعی آسیب‌دیدن ساختمان شهرها، به‌ویژه بناهای بزرگ بوده است. مستندات تاریخی که در ذیل به آن‌ها اشاره می‌شود، دالّ بر این ادعاست: در ۵۷۱ ق زلزله‌ای شدید مناطق غربی ایران از مرز عراق تا آن‌سوی ری را لرزاند که بیش‌ترین آسیب‌ها به شهرهای ری و قزوین وارد شد (ابن اثیر ۱۳۸۵: ج ۱۱، ۴۳۳). کریمان، از پژوهش‌گران معاصر، متذکر شده است که گنبد مرداویج زیاری که از ساختمان‌های بزرگ شهر ری بوده و احتمالاً روی یک تپه قرار داشته ممکن است بر اثر زلزله این سال آسیب دیده باشد (کریمان ۱۳۵۰: ج ۱، ۸۸). از دیگر ساختمان‌های آسیب‌دیده عبارت‌اند از: ۱. تخریب بنای اداره حکومتی شهر همدان بر اثر زلزله ۳۴۵ ق (ابن اثیر ۱۳۸۵: ج ۸، ۵۱۸؛ سیوطی، ۱۳۹۱: ۲۹) و دو برج از قلعه شهر نیز بر اثر زلزله‌هایی فروریخت که در ۴۸۰ ق در این شهر و مناطق هم‌جوار آن روی داد و به مدت هفت روز پس‌لرزه داشت (ابن جوزی ۱۴۱۲ ق: ج ۱۶، ۲۷۰): ۲. مسجد ابوحنیفه قزوین در زلزله ۵۱۳ ق تخریب شد (رافعی قزوینی ۱۴۸۰ ق: ج ۱، ۵۰؛ سیوطی ۱۳۹۱: ۳۷): ۳. دژ و قلعه‌های حلوان به‌همراه رباط بهروزی^۶ آن بر اثر زلزله شدید حلوان، در ۵۴۴ ق ویران شد. گفته‌اند قدرت این زلزله به‌حدی بود که خانه‌های نزدیک به کوه نیز آسیب دیدند (سبط بن جوزی ۱۳۷۰: ج ۱، ۲۰۱): ۴. مناره‌های ساوه که بر اثر وزش طوفان ۵۶۱ ق سر مناره‌ها فروریخت (ابن جوزی ۱۴۱۲ ق: ج ۱۷، ۱۷۲).

۷.۷ سوء تغذیه

یکی دیگر از آثار حوادث و بلایای طبیعی سوء تغذیه است که پس از بروز قحطی و خشک‌سالی‌های بسیار شایع می‌شد؛ به‌این ترتیب که مردم در نتیجه بروز قحطی و خشک‌سالی و حتی دیگر بلایای طبیعی، مجبور به خوردن گیاهان، مردار حیوانات، و گوشت افراد مرده می‌شدند. در نتیجه، خیلی از مرگ‌ومیرها، که به‌علت بروز حوادث طبیعی

حوادث و بلایای طبیعی ایالت جبال؛ از ظهور اسلام تا حمله مغول ۱۳

روی می‌داد، می‌توانست از یک سو نتیجه مستقیم خود بلا و از سوی دیگر در نتیجه آثار آن مانند گرسنگی و کمبود مواد غذایی باشد؛ مثلاً، در قحطی و خشک‌سالی ری ۲۸۱ ق، علاوه بر افزایش قیمت‌ها، گزارش شده که این قحطی تاحدی شدت داشت که مردم هم‌دیگر را می‌خوردند و از خوردن فرزندان خود ایایی نداشتند (ابن جوزی ۱۴۱۲ ق: ج ۱۲، ۳۳۹). همین‌طور در ۴۹۴ ق در ری و اطراف آن قحطی شدیدی روی داد و مردم حیواناتی از قبیل سگ را می‌خوردند (ابن جوزی ۱۴۲۸: ۲۸۳). حکیم سنایی نیز در اشعار خود شدت این قحطی را وصف کرده است:

قحطی افتاد وقتی اندر ری	دور از این شهر وز نواحی ری
آن‌چنان سخت شد بر ایشان کار	کآدمی شد چو گرگ مردم‌خوار
کرد هر مادری همی گریان	خُردفرزند خویش را بریان
کرده بر خویشتن طباخ امیر	خون هم‌شیره را حلال چو شیر
اندر آن شهر چشم سر کم دید	سگ مرده که مردم آن نخرید

(سنایی بی تا: ۶۷۴)

جمال‌الدین اصفهانی، از شاعران سده ششم هجری، نیز در ابیاتی از اشعار خود به خوردن فرزندان، مردار، و گوشت حیوانات مرده در هنگام وقوع قحطی‌های اصفهان اشاره کرده است:

قومی ز تیغ گرسنگی از وجود سیر	قومی ز ضعف تشنه به خون گشته تیغ‌وار
وانکس که از تنعم حلوا نخورد و مرغ	مردارخوار گشت و چو مردار گشت خوار
فرزند هم‌چو سگ شده مادرگزای و شوخ	مادر چو گربه گشته جگرخای و بیچه‌خوار
آن از پی گیاهی با خر به گفت‌وگویی	و این بهر استخوانی با سگ به کارزار
این خون همی مکید ز پستان به‌جای شیر	و آن هم‌چنان که خرما خائید نوک خار

(جمال‌الدین اصفهانی ۱۳۲۰: ۱۹۵)

به‌دنبال این قحطی و خشک‌سالی‌ها و روی آوردن مردم به خوردن هر آنچه بتوانند زنده بمانند، به‌مرور زمان بدن افراد با کمبود پروتئین‌هایی روبه‌رو می‌شد که برای مقاوم‌سازی جسم در برابر بیماری‌ها لازم بود؛ بدین‌گونه وقوع حوادث طبیعی باعث سوءتغذیه و ضعف اجسام شد و در نتیجه زمینه‌ساز ابتلا به انواع بیماری‌ها بود (عبدالعال ۲۰۱۳: ۲۸۹). برای نمونه، در ۵۴۴ ق زلزله شدیدی در حلوان روی داد. در نتیجه این حادثه، مردم به

بیماری‌های شایعی مانند برسام (pleurisy)^۷ و سرسام (encephalitis)^۸ مبتلا شدند (ابن جوزی ۱۴۱۲ ق: ج ۱۸، ۷۲).

علت دیگری که ممکن بود بر اثر آن به بیماری طاعون و وبا مبتلا شوند طاعون و وبا در حیوانات بود. مردم از طریق استفاده گوشت حیوانات بیمار، به‌ویژه حیوانات مرده، در هنگام وقوع قحطی و غلا، به این بیماری‌ها مبتلا می‌شدند. در اشعار حکیم سنایی و جمال‌الدین اصفهانی در متن، به خوردن حیوانات مرده اشاره شده است.

برتولد اشپولر در پژوهشی که درباره تغذیه ایرانیان در قرون نخستین اسلام انجام داد اشاره کرده است که استفاده از گوشت سگ، گربه، شتر، و قاطر محدود به قحطی‌های شدید بود؛ خوک به‌هیچ‌عنوان مصرف نمی‌شد و منابع تاریخی نیز به این موضوع اشاره‌ای نکرده‌اند (اشپولر ۱۳۷۳: ج ۲، ۴۰۲).

آلودگی آب‌وهوای ری نیز علت اصلی شیوع بیماری‌های این شهر دانسته شده و خاقانی شروانی اشعاری در مذمت آب‌وهوای وباخیز ری سروده است:

دور از مجاوران مکارم‌نمای ری	خاک سیاه بر سر آب‌وهوای ری
جور من است ز آب‌وگل جان‌گرای ری	از خاص و عام ری همه انصاف دیده‌ام
بی‌کفش می‌گریخت ز دست وبای ری	دیدم سحرگهی ملک‌الموت را که پای
بویحیی ضعیف چه باشد به پای ری	گفتم تو نیز؟ گفت چو ری دست برگشاد

(خاقانی ۱۳۳۶: ۴۰۴)

۸.۷ آلودگی محیط‌زیست

براساس مستندات تاریخی، از دیگر نتایجی که بلایای طبیعی به‌جا می‌گذاشت آلودگی محیط زندگی مردم بود؛ به‌این‌ترتیب که زلزله با فعال‌کردن کوه‌های آتش‌فشانی و آسیب‌رساندن به آب‌های زیرزمینی از قبیل چاه، چشمه، و قنات نقش مهمی در این امر داشته است. متقابلاً فعالیت‌های آتش‌فشان‌ها نیز آثار زیان‌بار وسیعی بر زمین و محیط زندگی انسان به‌جا می‌گذاشت. برای نمونه، بر اثر زلزله شدید ۳۴۶ ق ری و دیگر نواحی، که دامنه آن به حلوان، قم، و عراق رسیده بود (مسکویه ۱۳۷۶: ج ۶، ۲۰۶؛ ابن جوزی ۱۴۱۲ ق: ج ۱۴، ۱۰۹؛ جابری انصاری ۱۳۲۲: ۲۴۷)، آتش‌گرفتگی در سطح زمین روی داد و دودهای سیاه‌رنگی در هوا پخش شد (سیوطی ۱۳۹۱: ۳۰). از آن‌جاکه غبار و دودهای حاصل از فوران آتش‌فشان با ورود به سطح زمین مانع تابش نور خورشید می‌شوند و تغییرات مهمی را در شرایط اقلیمی سطح زمین و فعالیت‌های مربوط به کشاورزی ایجاد

حوادث و بلایای طبیعی ایالت جبال؛ از ظهور اسلام تا حمله مغول ۱۵

می‌کنند (سلطانی ۱۳۷۱: ۱۰۶)، به نظر می‌رسد فعال‌شدن کوه آتش‌فشان بر اثر زلزله این سال باعث آلودگی محیط زندگی مردم شده باشد. اعتمادالسلطنه بیماری‌های حلقی و مرگ‌های ناگهانی بغداد را ناشی از دودهای سیاه‌رنگ و آب‌های متعفن این زلزله دانسته است (اعتمادالسلطنه ۱۳۶۳: ج ۱، ۳۴۶).

همین‌طور بر اثر زلزله ۳۴۷ ق حلوان و دیگر مناطق جبال، علاوه‌بر کشتار فراوان و تخریب قلعه‌های زیاد، آب‌های زیرزمینی منطقه زاگرس نیز آسیب دیدند و مردم به انواع بیماری‌ها مبتلا شدند (امبرسز و ملویل ۱۳۷۰: ج ۱، ۱۱۹). بلیه سیل نیز در آلودگی محیط‌زیست نقش داشته است؛ وقوع سیل ۳۷۸ ق ایالت جبال باعث تخریب قنات‌های برخی مناطق جبال شد (ابن‌اثیر ۱۳۸۵: ج ۹، ۶۰).

۸. پی‌آمدهای اقتصادی

مسئله اقتصاد و امور اقتصادی برای حکومت‌ها اهمیت زیادی داشت؛ زیرا، استقلال یک حکومت، قدرت دفاعی آن در برابر حکومت‌های دیگر، ثبات سیاسی، و هم‌چنین توان رویارویی در برابر حوادث طبیعی به نحوه برخورد آن حکومت با مشکلات اقتصادی بستگی داشت. وقوع حوادث طبیعی با تحمیل هزینه‌های سنگین و ایجاد رکود در بخش‌های اقتصادی، به اقتصاد حکومت‌ها لطمه می‌زد و خسارات جبران‌ناپذیری را برای آن‌ها به بار می‌آورد.

۱۸ افزایش قیمت‌ها

یکی از بارزترین پی‌آمدهای حوادث طبیعی در زمینه اقتصاد افزایش قیمت و نایاب‌شدن کالاها بود. هرچه حوادث طبیعی شدیدتر می‌شد، افزایش قیمت و نایاب‌شدن کالاها بیش‌تر مشاهده می‌شد. براساس مستندات تاریخی، بیش‌ترین افزایش قیمت در تهیه آب، نان، و خرید گندم اتفاق می‌افتاد و گزارش شده که به چند برابر قیمت، مخصوصاً در زمان قحطی، فروخته می‌شد. مثلاً، در خشک‌سالی سال‌های ۱۹۴ و ۲۸۱ ق ری، از افزایش قیمت‌ها، به‌ویژه افزایش قیمت آب، گزارش شده است (ابن‌اثیر ۱۳۸۵: ج ۷، ۴۶۵). پس از وقوع سیل شدید ۳۷۸ ق ایالت جبال، مردم با افزایش قیمت نان روبه‌رو شدند (ابن‌جوزی ۱۴۱۲ ق: ج ۱۴، ۳۲۹). در قحطی ۴۴۲ ق اصفهان، قیمت گندم به بالاترین حد رسیده بود (قبادیانی ۱۳۸۱: ۱۶۵).

جمال‌الدین اصفهانی در اشعاری که درباره قحطی‌های اصفهان سروده، به گران‌شدن گندم، کمیاب‌شدن نان، و بالارفتن قیمت آن اشاره کرده است:

ادرار رزق خلق قلم بر نهاده قحط	مجری نمانده اجری یک شخص از هزار
نان چون مخدرات نهفته ز خلق روی	گندم خلیفه‌وار گران‌قدر و تنگ‌بار
نان شد به نرخ شیرین لیکن به طعم تلخ	هم قرص منکسف شد و هم گرده کم‌عیار
نان ناپدید گشته چو آب حیات و خلق	هم چون سکندر از پی او گشته جان‌سپار

(جمال‌الدین اصفهانی ۱۳۲۰: ۱۹۵)

حکیم زجاجی، از شاعران سده هفتم هجری، نیز قحطی اصفهان در ۵۲۹ تا ۵۳۲ ق و به دنبال آن گرانی و کمیاب‌شدن نان را این‌گونه سروده است:

در آن سال‌ها بود قحطی عظیم	برابر در آن دور، بُد قاز و سیم
چه مایه به هر جای مردم بمرد	به نان گفتن اندر همی جان سپرد

(زجاجی ۱۳۸۳: ج ۲، ۹۰۷)

۲.۸ از بین رفتن سرمایه‌های اقتصادی

زندگی مردم این دوره بیش‌تر با دام‌داری و کشاورزی پیوند می‌خورد و حیواناتی مانند گاو و گوسفند و محصولات کشاورزی از باارزش‌ترین سرمایه‌های اقتصادی آن‌ها برای گذران زندگی محسوب می‌شدند. حوادث طبیعی زیادی که در ایالت جبال روی داد آسیب‌های فراوانی را به این حوزه وارد کرد؛ به‌طوری‌که مردم مکرر با از بین رفتن منابع درآمد خود، در تنگنای اقتصادی قرار می‌گرفتند و این عامل بروز مشکلاتی چون مهاجرت، دزدی، غارت، و گران‌فروشی می‌شد؛ مثلاً، در ۵۷۳ ق در شهرهای اصفهان و همدان طوفان شدیدی وزید و تعداد زیادی از گاو و گوسفندان مردم تلف شدند (حموی ۱۹۶۰ م: ۸۴). طوفان ۲۹۱ ق اصفهان نیز محصولات کشاورزی را که پیش‌از فصل برداشت رسیده بودند از بین برد و به گل‌های سنبل نیز آسیب زیاد رساند (حمزه اصفهانی بی‌تا: ۱۴۷). همین‌طور طوفان ۲۳۲ ق همدان که به مدت بیست روز ادامه داشت و خسارت‌های مالی زیادی بر ساکنان شهر وارد کرد (همان: ۱۴۵؛ ابن‌جوزی ۱۴۱۲ ق: ج ۱۱، ۲۰۹).

علاوه بر طوفان، بلیه برف و سرما به‌همراه آفت ملخ از جمله بلایای آسیب‌رسان در این حوزه بودند؛ در ۳۳۲ ق در برف و سرمای شدید اصفهان و دیگر شهرهای جبال،

حوادث و بلایای طبیعی ایالت جبال: از ظهور اسلام تا حمله مغول ۱۷

درختان به همراه میوه‌هایشان آسیب دیدند و مردم این سال را بدون میوه سپری کردند (حمزه اصفهانی بی تا: ۱۴۷). در ۳۴۴ ق نیز هجوم فراوان ملخ‌ها به روستای تیمره اصفهان به میوه‌ها و محصولات کشاورزی چنان آسیب رساند که مردم را از تهیه غلات آن سال ناامید کرد (همان: ۱۴۸).

۹. پی‌آمدهای سیاسی

حوادث و بلایای طبیعی در طول تاریخ در شکست و پیروزی نظامیان و تغییر حاکمان نقش مؤثری داشته است. نظامیان و فرمان‌روایان رقیب گاه از فرصت‌هایی که به دنبال وقوع این‌گونه حوادث پدید می‌آمد برای دست‌یافتن به اهداف سیاسی - نظامی استفاده می‌کردند.

۱.۹ ضعف و آشفتگی اوضاع حکومت‌ها

بروز حوادث طبیعی یکی از عوامل تضعیف و ایجاد اوضاع نابه‌سامان برای حکومت‌هاست. در طول تاریخ، مشاهده شده چنان‌چه حکومت‌ها بنیه اقتصادی ضعیفی می‌داشتند، در موقع بروز حوادث طبیعی توان مقابله با آن را نداشتند و این امر به شکست یا انقراض آن‌ها منجر می‌شد. هم‌چنین این شرایط دستاویزی بود تا دشمنان آن‌ها از فرصت پیش‌آمده برای ضربه‌زدن بیش‌تر استفاده کنند. برای نمونه، در ۳۴۴ ق، که مقارن با حکومت سامانیان در ایران بود، بیماری وبا در شهر ری شیوع یافت. این حادثه به‌حدی عمیق بود که تعداد کشته‌های آن قابل‌شمارش نبود (مسکویه ۱۳۷۶: ج ۶، ۱۹۹؛ ابن‌اثیر ۱۳۸۵: ج ۸، ۵۱۲). ابوعلی بن محتاج، سردار سامانی که امیر لشکرهای خراسان بود، و پسرش در وبای این سال مردند (ابن‌اثیر ۱۳۸۵: ج ۸، ۵۱۲). اشیپولر در بررسی عوامل ضعف سامانیان در قرن چهارم هجری، از قبیل افزایش قدرت آل‌بویه و امتناع از پرداخت خراج، یکی از علت‌های عمده ضعف سامانیان را شیوع بیماری وبا در قلمرو حکومتی آن‌ها و ناتوانی دولت در مقابله با آن دانسته است (اشیپولر ۱۳۷۳: ج ۱، ۱۷۶). علاوه‌بر آن‌چه گفته شد، در نتیجه ضعف و آشفتگی اوضاع حکومت‌ها، از وضعیتی که به دنبال وقوع بلای طبیعی روی داده بود سوءاستفاده‌های زیادی می‌شد؛ مثلاً، پس از وبایی که در ۴۲۳ ق در اصفهان شایع شد، مسعود بن محمود غزنوی به اصفهان رفت و بسیاری از مردم شهر و حتی افرادی که در مسجد بودند را به قتل رساند (نفیسی ۱۳۴۲: ج ۲، ۹۷۸).

نمونه دیگر این که به دنبال آشفتگی اوضاع سیاسی اصفهان، که بر اثر قحطی ۵۳۲ ق به وجود آمد، راشد، خلیفه عباسی، مردم اصفهان را محاصره کرد و قحطی را به نهایت رساند تا جایی که مردم از شدت گرانی و قحطی یکدیگر را می خوردند (نیشابوری ۱۳۳۲: ۵۶). علاوه بر خلیفه عباسی، امرای سلجوقی نیز عامل دو آفت وبا و گرانی شدند و از خشک و تر هر چه یافتند خوردند و افراد بی نیاز را فقیرتر کردند (بنداری ۱۳۵۶: ۲۱۸). داوود بن محمود سلجوقی دهات را ویران و دروازه های شهر را قفل کرد تا مردم راه فرار نداشته باشند و در نتیجه او بتواند به راحتی به مقاصد سیاسی خود دست یابد. نهایت این آشفتگی بدان جا رسید که اسماعیلیان از فرصت استفاده کرده و راشد، خلیفه عباسی، را به قتل رساندند (عمادالدین اصفهانی ۱۳۷۵: ج ۱، ۳۲).

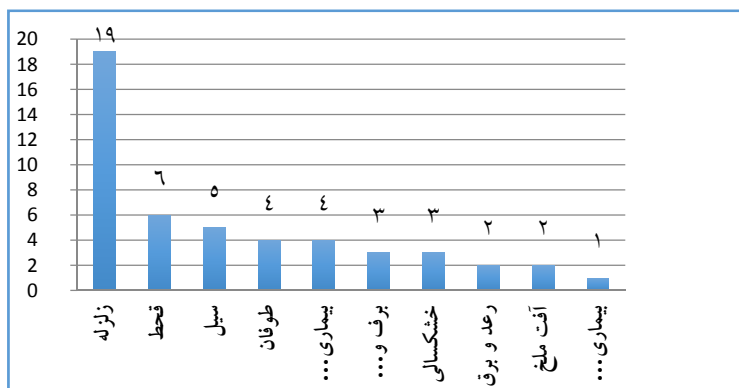
۱۰. نتیجه گیری

وقوع حوادث و بلایای طبیعی در هفت سده اول هجری، در ایالت جبال، خسارت های زیادی را به شهرها و روستاهای آن وارد کرد. از میان حوادث طبیعی، زلزله با بیش ترین دفعات وقوع آسیب زیادی را به بناهای مسکونی رساند. بیش ترین مرگ و میرها و مهاجرت ها، که کاهش جمعیت را به همراه داشت، بر اثر وقوع زلزله روی داد. پس از زلزله، خشک سالی و قحطی های مکرری که روی می داد و گاهی اوقات چندین سال طول می کشید خسارت های زیادی را به این ایالت وارد کرد.

برف و سرمای شدید و طولانی نیز موجب نابودی محصولات کشاورزی می شد. از آن جاکه در این دوره زمانی زندگی مردم با کشاورزی و دامداری پیوند می خورد، با از بین رفتن محصولات کشاورزی قیمت ها بی نهایت افزایش می یافت و حتی به احتکار، کم فروشی، و نایاب شدن اجناس می انجامید. سیل نیز گاهی اوقات با خراب کردن قنات ها، مسدود کردن راه ها، و تخریب بناها همراه بود.

بلیه سیل و سرما به همراه طوفان بیش ترین آسیب را به بخش اقتصادی وارد می کرد. آثار باستانی نیز در نتیجه وقوع حوادث طبیعی آسیب می دید یا با تخریب های اولیه ناشی از حوادث به مرور زمان از بین می رفت و خسارات و هزینه های سنگینی از این طریق به بخش فرهنگی وارد می شد. گاهی اوقات وقوع حوادث طبیعی در روند فعالیت های سیاسی نیز آثار نمایانی به جا می گذاشت و علت تامه ضعف، شکست، یا پیروزی حکومت ها به شمار می رفت.

حوادث و بلایای طبیعی ایالت جبال: از ظهور اسلام تا حمله مغول ۱۹



نمودار ۱. حوادث و بلایای طبیعی ایالت جبال در هفت قرن نخست اسلام

پی‌نوشت‌ها

۱. شرح گزارش شاردن از این زلزله مشابه گزارش‌های مورخان از زلزله ۵۱۳ ق در قزوین است. احتمال دارد این همان زلزله ۵۱۳ ق قزوین بوده و نویسنده دچار اشتباه شده باشد.
۲. منابع متقدم به این زلزله اشاره نکرده‌اند و مشخص نیست که شاردن این گزارش تاریخی را از چه سندی گرفته است. با توجه به تشابه جزئیات حادثه، احتمالاً این همان زلزله ۵۷۲ ق ری باشد که دامنه آن به قزوین نیز سرایت کرد و شاردن با اختلاف در ذکر سال، آن را از ابن‌جوزی گزارش می‌کند.
۳. یحیی بن معاذ الواعظ یکی از رجال طریقت بود که در ۲۵۸ ق در نیشابور درگذشت (ابن‌خلکان ۱۹۰۰ م: ج ۶، ۱۶۵-۱۶۷).
۴. یکی از مقیاس‌های طول که اندازه آن فاصله آرنج تا نوک انگشتان وسطی یک مرد متوسط‌القامه به میزان ۶۷/۵ سانتی‌متر بوده است (دیانت ۱۳۶۷: ۲۲۳).
۵. الوزير بن بینمان بن علی المعلمی القزوینی (رافعی قزوینی ۱۴۸۰: ج ۴، ۱۹۷).
۶. جای رباط را دقیقاً نمی‌توان تعیین کرد، اما ممکن است یکی از کاروان‌سراهای میان‌راهی خراسان بوده باشد. همین‌طور احتمال دارد که این منزل به نام مجاهدالدین بهروز (د ۵۴۰ ق) در تکریت، در شمال عراق، باشد که در نیمه نخست سده ششم هجری در عراق قدرت زیادی داشت (امبرسز و ملویل ۱۳۷۰: ۴۹۰).
۷. برسام بیماری ذات‌الجنب (سینه‌پهلوی) است (سندسی و ارتجائی ۱۳۸۰: ج ۱، ۲۸۴).
۸. برسام بیماری التهاب مغز (سندسی و ارتجائی ۱۳۸۰: ج ۱، ۲۸۴) و عامل عفونت ویروس است (وینگیت ۱۳۷۳: ۲۴۱-۲۴۲).

کتابنامه

- ابن تغری بردی، یوسف (بی تا)، *النجوم الزاهرة فی ملوک مصر والقاهرة*، ج ۳، مصر: وزارة الثقافة و الارشاد القومي.
- ابن اثیر، علی بن محمد (۱۳۸۵)، *الکامل فی التاریخ*، بیروت: دارصادر.
- ابن جوزی، عبدالرحمن بن علی (۱۴۱۲ ق)، *المنتظم فی تاریخ الملوک و الامم*، تحقیق محمد عبدالقادر عطا و مصطفی عبدالقادر عطا، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- ابن جوزی، عبدالرحمن بن علی (۱۴۲۸ ق)، *شذور العقود فی تاریخ العهود*، تحقیق و تصحیح ابوهیثم شهبائی و احمد عبدالکریم نجیب، بی جا: مرکز نجیبویه.
- ابن خلکان، احمد بن محمد (۱۹۰۰ م)، *وفیات الاعیان و انباء ابناء الزمان*، تحقیق احسان عباس، ج ۶، بیروت: دارصادر.
- ابن کثیر، اسماعیل بن عمر (۱۴۰۷ ق)، *البدایة و النهایة*، ج ۱۲، بیروت: دارالفکر.
- ابونعیم اصفهانی، احمد بن عبدالله (۱۳۷۷)، *ذکر اخبار اصفهان*، ترجمه نورالله کسای، ج ۱، تهران: سروش.
- اسفزاری، ابوحاتم مظفر (۱۳۵۶)، *رسالة آثار علوی*، تصحیح محمدتقی مدرس رضوی، بی جا: بنیاد فرهنگ ایران.
- اشپولر، برتولد (۱۳۷۳)، *تاریخ ایران در قرون نخستین اسلامی*، ترجمه جواد فلاطوری و مریم میراحمدی، ج ۱ و ۲، تهران: علمی و فرهنگی.
- اصطخری، ابراهیم بن محمد (بی تا)، *المسالك و الممالک*، قاهره: طبع هیئة العامة لقصور الثقافة.
- اعتمادالسلطنه، محمدحسن بن علی (۱۳۶۳)، *تاریخ منتظم ناصری*، تصحیح محمداسماعیل رضوانی، ج ۱، تهران: دنیای کتاب.
- امبرسز، ن. ن و ج. پ ملویل (۱۳۷۰)، *تاریخ زمین لرزه های ایران*، ترجمه ابوالحسن رده، ج ۱، تهران: آگاه.
- بنداری، فتح بن علی (۱۳۵۶)، *تاریخ سلسله سلجوقی: زیدة النصره و نخبة العصره*، ترجمه محمدحسین جلیلی، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- جابری انصاری، محمدحسن (۱۳۲۲)، *تاریخ اصفهان و ری و همه جهان*، اصفهان: حسین عمادزاده.
- جمال الدین اصفهانی، محمد بن عبدالرزاق (۱۳۲۰)، *دیوان*، تصحیح حسن وحید دستگردی، تهران: ارمغان.
- حاجی خلیفه، مصطفی بن عبدالله (۱۳۷۶)، *تقویم التواریخ*، تصحیح میرهاشم محدث، تهران: احیاء کتاب.
- حسنی رازی، مرتضی بن داعی (۱۳۱۳)، *تبصرة العوام فی معرفة مقالات الانام*، تصحیح عباس اقبال، تهران: مطبعة مجلس.
- حمزه اصفهانی، حمزة بن حسن (بی تا)، *تاریخ سنی ملوک الارض و الانبیاء*، بیروت: دارالمکتبة الحیة.

حوادث و بلاایای طبیعی ایالت جبال: از ظهور اسلام تا حمله مغول ۲۱

- حموی بغدادی، یاقوت (۱۹۹۵ م)، معجم البلدان، ج ۲، بیروت: دارصادر.
- حموی، محمد بن علی (۱۹۶۰ م)، *التاریخ المنصوری: تلخیص الکشف البیان فی حوادث الزمان*، مسکو: دارالنشر الآداب الشرقیة.
- خاقانی، بدیل بن علی (۱۳۳۶)، *دیوان*، تهران: امیرکبیر.
- دیانت، ابوالحسن (۱۳۶۷)، *فرهنگ تاریخی سنجش‌ها و ارزش‌ها*، تبریز: نیما.
- رافعی قزوینی، عبدالکریم بن محمد (۱۴۸۰ ق)، *التدوین فی اخبار قزوین*، تحقیق عزیزالله عطاردی، ج ۱ و ۴، بیروت: دارالکتب العلمیة.
- راوندی، محمد بن علی (۱۳۶۴)، *راحة الصدور و آية السرور در تاریخ آل سلجوق*، تصحیح محمد اقبال و مجتبی مینوی، تهران: امیرکبیر.
- زجاجی، حکیم (۱۳۸۳)، *همایون‌نامه*، تصحیح علی پیرنیا، تهران: علمی و فرهنگی.
- زهرایی، مهدی و اصغر وطنی اسکویی (۱۳۸۳)، *بررسی آسیب‌پذیری لرزه‌ای ساختمان‌های شهر قزوین*، تهران: مرکز تحقیقات ساختمان و مرکز.
- سبط بن جوزی، یوسف بن قزاوغلی (۱۳۷۰)، *مرآة الزمان فی تاریخ الاعیان*، ج ۱، حیدرآباد دکن: مجلس دائرةالمعارف العثمانی.
- سلطانی، محمود (۱۳۷۱)، «محیط‌زیست و زیان‌های زمین‌شناختی آن»، خلاصه مقالات اولین کنفرانس بین‌المللی بلاایای طبیعی در مناطق شهری (بخش زلزله)، تهران: دفتر مطالعات و برنامه‌ریزی شهر تهران، ۲۱ تا ۲۳ اردیبهشت.
- سنایی، مجدود بن آدم (بی تا)، *حدیقة الحقیقه و طریقة الشریعه*، تصحیح محمدتقی مدرس رضوی، بی‌جا: سپهر.
- سندسی، مریم و سوسن ارتجائی (۱۳۸۰)، *توصیف‌گرهای پزشکی*، تهران: دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی - درمانی ایران.
- سیوطی، جلال‌الدین (۱۳۹۱)، *کشف الصلصلة عن وصف الزلزلة*، تحقیق عبدالطیف سعدانی، مقدمه محمد فاسی، فاس: مطبعة محمد الخامس الثقافیة والجامعیة.
- سیوطی، جلال‌الدین (۱۴۲۵ ق)، *تاریخ الخلفاء*، تحقیق حمدی الدرماش، ج ۱، الرياض: مكتبة نزار مصطفى الباز.
- شاردن، ژان (۱۳۷۲)، *سفرنامه*، ترجمه اقبال یغمایی، ج ۲، تهران: توس.
- شعبانی، امامعلی و حمیده مهرعلی تبار (۱۳۹۲)، «حوادث و بلاایای طبیعی در قرون میانه تاریخ ایران»، *تحقیقات تاریخ اجتماعی*، دوره سوم، ش ۱.
- شمس دولت‌آبادی، محمدرضا (۱۳۷۳)، *حوادث طبیعی در جهان اسلام و پی‌آمدهای آن از آغاز تا حمله مغول*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.
- طبری، محمد بن جریر (۱۳۸۷)، *تاریخ الطبری*، ج ۸ و ۹، بیروت: دارالتراث.

۲۲ تحقیقات تاریخ/اجتماعی، سال هفتم، شماره دوم، پاییز و زمستان ۱۳۹۶

- عبدالعال، طه حسین (۲۰۱۳ م)، *الکوارث الطبيعية في بلاد العراق و فارس في العصرين البويهی و السلجوقی*، قاهره: دارالآفاق العربية.
- عمادالدين اصفهانی، محمد بن محمد (۱۳۷۵)، *خریفة الفصر و جریفة العصر*، تحقیق محمد بهجة الاثری و جمیل سعید، ج ۸ و ۹، بغداد: مطبوعات الجمع العلمي العراقي.
- قبادیانی، ناصر خسرو (۱۳۸۱)، *سفرنامه*، تهران: زوار.
- قرطبی، عریب بن سعد (۱۳۸۷)، *صلة تاریخ الطبری*، ج ۱۱، بیروت: دارالتراث.
- قمی، حسن بن محمد (۱۳۶۱)، *تاریخ قم*، ترجمه حسن بن عبدالملک قمی، تحقیق سید جلال‌الدین تهرانی، تهران: توس.
- قوامی رازی، بدرالدین (۱۳۴۴)، *دیوان*، تصحیح میرجلال‌الدین حسینی ارموی، تهران: سپهر.
- کریمان، حسین (۱۳۵۰)، *برخی از آثار بازمانده از ری قدیم*، ج ۱، تهران: دانشگاه ملی ایران.
- کمال‌الدین اصفهانی، اسماعیل بن محمد (۱۳۴۸)، *دیوان*، تهران: دهخدا.
- گلریز، محمدعلی (۱۳۷۷)، *مینودره؛ باب‌الجنه قزوین*، تهران: دانشگاه تهران.
- لسترنج، گای (۱۳۶۴)، *جغرافیای تاریخی سرزمین‌های خلافت شرقی*، ترجمه محمود عرفان، تهران: علمی و فرهنگی.
- لمبتون، آن. ک. س. (۱۳۷۲)، *تداوم و تحول در تاریخ میانه ایران*، ترجمه یعقوب آژند، تهران: نی.
- مسکویه، ابوعلی احمد بن محمد (۱۳۷۶)، *تجارب الامم*، تحقیق علی نقی منزوی، ج ۶، تهران: توس.
- معظمی گودرزی، خسرو (۱۳۵۱)، *لرزه‌شناسی*، تهران: فرانکلین.
- نفیسی، سعید (۱۳۴۲)، *در پیرامون تاریخ بیهقی*، ج ۲، تهران: فروغی.
- نورصادقی، حسین (۱۳۱۶)، *اصفهان*، تهران: سعادت.
- نیشابوری، ظهیرالدین (۱۳۳۲)، *سلجوق‌نامه*، تهران: خاور.
- وینگیت، پیتر (۱۳۷۳)، *دانش‌نامه پزشکی*، ترجمه سیمین معزی متین، تهران: مرکز.